

بررسی اثرات غیرخطی رشد اقتصادی بر رفاه اجتماعی

در کشورهای منتخب در حال توسعه

علی مفتخری^۱

چکیده

هدف: از اهداف کلان اقتصادی کشورها، ایجاد شرایط لازم جهت ارتقای سطح رفاه اجتماعی بوده و از جمله عوامل مؤثر بر آن می‌توان به رشد اقتصادی اشاره کرد. یکی از مهم‌ترین اهداف برنامه‌ریزان اقتصادی افزایش رشد اقتصادی به منظور گسترش رفاه اجتماعی می‌باشد. بر همین اساس هدف این پژوهش بررسی نحوه اثرگذاری رشد اقتصادی بر رفاه اجتماعی در کشورهای منتخب در حال توسعه می‌باشد.

روش: پژوهش حاضر بر آن است که با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته اثرات رشد اقتصادی بر رفاه اجتماعی در منتخبی از کشورهای در حال توسعه را در بازه زمانی سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۲۱ مورد ارزیابی قرار دهد.

یافته‌ها: نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد رشد اقتصادی تأثیری غیرخطی بر رفاه اجتماعی داشته است. رشد اقتصادی در سطوح پایین آن تأثیری منفی بر رفاه اجتماعی برجای گذاشته، اما افزایش سطح رشد اقتصادی و عبور آن از سطح آستانه ۰/۰۹۱، موجب بهبود رفاه اجتماعی شده است.

نتیجه‌گیری: رشد اقتصادی عاملی در جهت افزایش سطح رفاه اجتماعی در کشورهای مورد مطالعه خواهد بود. از طرفی سایر متغیرهای موجود در مدل، تأثیری متفاوت بر متغیر وابسته داشته‌اند؛ که برخی سبب کاهش و برخی سبب افزایش رفاه اجتماعی می‌گردند. وقفه اول رفاه اجتماعی و کنترل فساد اثری مثبت و اندازه دولت اثری منفی بر رفاه اجتماعی داشته است.

واژه‌های کلیدی: رشد اقتصادی، رفاه اجتماعی، مدل پانل دیتا، کشورهای در حال توسعه

۱. مقدمه

رفاه اجتماعی به مثابه توسعه استانداردهای زندگی انسان‌ها از مهم‌ترین مقوله‌های اقتصادی-اجتماعی است که در متون اقتصادی تبیین و بررسی شده و تأمین رفاه افراد جامعه از سوی جوامع مختلف از دیرباز میان متفکران و صاحب‌نظران مورد بحث بوده است. گرچه رفاه مفهومی است که در تمامی علوم اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد اما با توجه به وسعت دامنه این مفهوم، افراد درک واحدی از آن نداشته و در خصوص اینکه منظور از رفاه چیست، سردرگمی‌هایی وجود دارد. واژه رفاه اجتماعی، زاده تحولات و مناسبات اقتصادی و اجتماعی قرون اخیر است و تا به امروز به هدف بنیادین برنامه‌های توسعه در جوامع مختلف بدل شده است؛ هدفی که بدون آن توسعه در ابعاد گوناگون خود (انسانی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی) با شکست مواجه خواهد شد. به گفته فیتز پتریک^۱ رفاه هدف توسعه نیست بلکه خود توسعه محسوب می‌شود یعنی دولت و جامعه‌ای را می‌توانیم توسعه یافته بدانیم که سطح حداقل یا متناسب زندگی را از ابعاد مختلف اقتصادی، آموزشی، بهداشتی و درمانی برای یکایک آحاد و ساکنانش فراهم آورده باشد (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۰). زمانی که جوامع در حال توسعه نمی‌توانند از سطح مناسب رشد اقتصادی برخوردار باشند، یکی از راه‌های برون‌رفت از این حالت، افزایش و بهبود سطح رفاه اجتماعی است (هو و همکاران، ۲۰۲۲). رفاه اجتماعی از جمله مهم‌ترین و مورد توجه‌ترین موضوعات دنیای امروز است. توسعه‌یافتگی و حرکت به سمت توسعه یکی از مباحث اساسی جوامع مختلف دنیا است و جوامع توسعه‌نیافته به علت کمبود درآمد سرانه و عوامل بی‌شمار دیگر، گرفتار به اصطلاح دور باطل فقر می‌باشند (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۶). بر همین اساس این جوامع متحمل هزینه‌های سنگین انسانی و مادی فراوانی از جمله از دست‌دادن نیروی متخصص و کاهش رشد اقتصادی شده و از سوی دیگر باید اضافه کرد که توسعه‌یافتگی و یا حتی توسعه‌نیافتگی در هیچ جامعه‌ای دارای سطح یکسانی نبوده است و این سطح را رفاه اجتماعی تعیین می‌کند (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۶). به این نکته باید توجه کرد که بهبود وضعیت رفاهی افراد در جوامع در حال توسعه از نظر اقتصادی-اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زمینه کاهش رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، درآمد ناکافی، فقر و نبود یا کمبود پوشش بیمه‌ای مناسب در برابر شوک‌های اقتصادی است. از طرفی خدمات اجتماعی، حقوق بازنشستگی، بیمه و بازارهای مالی اغلب ناکافی یا توسعه‌نیافته هستند (پیشکوفسکی^۲، ۲۰۲۰). در اقتصادهای در حال توسعه، نابرابری شدید درآمدی که منجر به کاهش رفاه اجتماعی می‌شود، می‌تواند باعث تقویت بی‌ثباتی و آسیب‌پذیری اجتماعی بیشتر شود و انسجام اجتماعی را از بین ببرد. پایین بودن سطح رفاه اجتماعی در کشورهای در حال توسعه منجر

به کاهش شدید سطح رشد اقتصادی خواهد شد. پایین بودن سطح رشد اقتصادی می‌تواند هم‌زمان سرمایه انسانی را تحت تأثیر قرار داده و نابرابری در توزیع درآمد افزایش و به تبع آن رفاه اجتماعی را کاهش دهد (گالیانو و رومرو^۱، ۲۰۱۷). همین‌طور از آنجاکه کشورهای در حال توسعه به‌طور کلی از سطح رفاه اجتماعی کمی برخوردار هستند، رشد اقتصادی ضعیف یک مسئله در خط مقدم نگرانی‌های آن‌ها می‌باشد (الودجیانی و همکاران^۲، ۲۰۱۶). به‌عنوان مثال سازمان بهداشت جهانی تخمین زده است به‌دلیل پایین بودن سطح رفاه اجتماعی در کشورهای در حال توسعه، کمبودی ۲/۸ میلیون نفری از پزشکان در این کشورها به وجود خواهد آمد. با عرضه ناکافی پزشک در کشورهای با درآمد کم و متوسط، شاهد عواقب ناگواری، مانند افزایش مرگ‌ومیر خواهیم بود (سالوجا و همکاران^۳، ۲۰۱۸). به‌غیر از تفاوت درآمدی (چه در سطح ملی و چه در سطوح پایین‌تر)، روابط اجتماعی، ارزش‌های فردی و نگرش‌های افراد جوامع مختلف بر رشد اقتصادی اثرگذار خواهد بود (کوارتیوک و همکارانش^۴، ۲۰۲۰). کیفیت یادگیری و تلفیق ایده‌ها و روش‌های جدید و حرکت به‌سمت سطح بالایی از رفاه اجتماعی، چشم‌انداز مهمی در جهت جلوگیری از کاهش رشد اقتصادی را نشان می‌دهد (موک و هان^۵، ۲۰۱۶).

بررسی اثرات رشد اقتصادی بر رفاه اجتماعی به‌عنوان پدیده‌ای در فرآیند توسعه و رشد کشورها نقشی تعیین‌کننده دارد و جنبه‌ها و حوزه‌های مختلفی در کشورهای در حال توسعه همواره متأثر از این مقوله بوده است. پایین بودن سطح رشد اقتصادی، سبب عقب‌ماندن در فرآیند توسعه، تضعیف پایه‌های دانش، هدررفت مخارج آموزش، نابودی سرمایه اجتماعی و انسانی و درنهایت کاهش رفاه اجتماعی می‌شود. از این رو بررسی نتایج اثرات رشد اقتصادی بر رفاه اجتماعی، با به‌کارگیری شاخص‌هایی مانند شاخص رفاه اجتماعی که در این پژوهش با استفاده از تابع رفاه اجتماعی سن محاسبه‌شده و بررسی شاخص‌هایی مانند اندازه دولت و کنترل فساد (مورد استفاده در این مطالعه)، در کشورهای هدف می‌تواند راهکار مناسبی ارائه نموده و با ایجاد سازوکار دقیق و برنامه‌منسجم از هدررفت منابع در این جوامع جلوگیری به‌عمل آورد. بنابراین در بخش اول مقدمه هدف اصلی این پژوهش که بررسی اثرات رشد اقتصادی بر رفاه اجتماعی در کشورهای در حال توسعه است، بیان می‌شود. بخش دوم، مبانی نظری و در بخش سوم پیشینه تحقیق ارائه می‌گردد. سپس در بخش چهارم به معرفی الگو، تشریح متغیرها و داده‌ها، پرداخته شده و در بخش پنجم تخمین الگو و تجزیه و تحلیل آماری ضرایب، ارائه و در بخش پایانی نتیجه‌گیری و پیشنهادها بیان خواهد شد.

1. Galliano & Romero
2. Al-Dijjani et al
3. Saloja et al.
4. Quartiuk et al
5. Mook and Han

۲. چهار چوب نظری پژوهش

۱-۲. مبانی نظری

۱-۱-۲. رشد اقتصادی

موضوع مهمی که مورد بحث اقتصاددانان و در بسیاری از موارد دغدغه جوامع و متولیان برنامه‌ریزی در جهت رشد و رفاه اقتصادی و اجتماعی مردم بوده، اینکه آیا رشد اقتصادی بر رفاه اجتماعی اثر گذار است؟ تا چه حد و تحت چه شرایطی رشد اقتصادی می‌تواند برای بهبود رفاه اجتماعی اثر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد؟ با وجود مطالعات متعدد و عنایت به تأثیرات گوناگون کمی و کیفی رشد بر رفاه، ادبیات تجربی غنی هنوز به نتایج روشن و محکمی در این خصوص نرسیده‌اند. بر طبق نظریات کیندلبرگ^۱ رشد اقتصادی به معنی تولید بیشتر است. رشد اقتصادی نه تنها ممکن است شامل تولید بیشتر از طریق استفاده از مواد اولیه باشد، بلکه به معنی افزایش کارایی و افزایش تولید به مقیاس مواد اولیه مورد استفاده نیز می‌باشد. فریدمن از رشد به معنی گسترش سیستم در جهات مختلف بدون تغییر در زیربنای آن و از توسعه به عنوان رشد خلاق و نوآوری در جهت ایجاد تغییرات زیربنایی در سیستم اجتماعی یاد می‌کند (اهرلیک و لیو^۲، ۱۹۹۷). رشد اقتصادی، دلالت بر افزایش تولید یا درآمد سرانه ملی دارد. اگر تولید کالاها یا خدمات به هر وسیله ممکن در یک کشور افزایش پیدا کند، می‌توان گفت در آن کشور رشد اقتصادی اتفاق افتاده است. به تعبیر ساده‌تر رشد اقتصادی عبارت است از افزایش تولید یک کشور در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. در سطح کلان افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال مورد بحث به نسبت مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می‌شود. نرخ رشد اقتصادی نشان‌دهنده این است که هر اقتصادی چگونه و در چه مدتی به توسعه اقتصادی می‌رسد. در بین شاخص‌های رشد اقتصادی، نرخ رشد تولید سرانه از اهمیت خاصی برخوردار است. با توجه به اینکه تغییرات درآمد سرانه به تغییرات زمان نشان‌دهنده رشد درآمد سرانه است، لذا رشد اقتصادی یک کشور، افزایش تولید سرانه آن کشور در طول یک دوره بلندمدت می‌باشد (کنزی و دفلو^۳، ۱۹۹۷). رسیدن به رشد بالا و توسعه اقتصادی از جمله اهداف مهمی است که همه کشورها در پی دستیابی به آن هستند، اما دستیابی به نرخ بالای رشد اقتصادی نیازمند شناخت عوامل و امکانات بالقوه و به کارگیری درست آنها است (اشکورجیری و همکاران^۴، ۲۰۱۷). جهانی‌سازی اقتصادی، ارتباطات گسترده جهانی و ارتقاء سطح کیفیت اجتماعی، امکان رشد بالای اقتصادی

1. Kindalberg
2. Ahrlich & lui
3. Conze-Berline & Duflo
4. Eshkevarjiri

را در کشورهای پیشرفته اقتصادی که درعین حال بیشترین امکانات را دارند، افزایش داده است (سینا، ۲۰۱۷).

پایین بودن رشد اقتصادی به‌عنوان یکی از عمده‌ترین و مؤثرترین عامل کاهش درآمد سرانه و به‌تبع آن، کاهش سطح زندگی و رفاه عمومی جامعه، شناخته شده است (بارو و سالای مارتین، ۲۰۰۴). منطبق با نظریات رشد اقتصادی درون‌زا، کیفیت مناسب و بالا بودن سطح رفاه اجتماعی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر سطح قابل‌قبولی از رفاه اجتماعی مانند سلامت و بهداشت افراد جامعه، آموزش و سواد عمومی و غیره که به‌طور مستقیم با فقر فرد ارتباط دارد اثر مستقیمی بر رشد اقتصادی کشورها خواهد گذاشت (کلمن، ۲۰۱۵). دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالا یکی از اهداف مهم هر نظام اقتصادی به‌شمار می‌رود. این امر متضمن به‌کارگیری سیاست‌های مناسب اقتصادی، ثبات سیاست‌های اقتصادی و همچنین شناخت بیشتر عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی است (بکر، ۲۰۰۰).

۲-۱-۲. تابع رفاه اجتماعی و شاخص‌های اندازه‌گیری آن

تابع رفاه اجتماعی از نظر لغوی رابطه بین سطح رفاه اجتماعی و شیوه اختصاص منابع را در یک جامعه نشان می‌دهد. هدف نظریه رفاه اجتماعی که گاهی انتخاب اجتماعی خوانده می‌شود، فراهم ساختن منطق هنجاری لازم برای تصمیم‌گیری‌های اجتماعی در زمانی است که افراد عضو جامعه، عقاید متفاوتی درباره منافع در گزینه‌های موجود دارند. هرگونه تصمیم اجتماعی یا فردی را می‌توان تعامل ترجیحات یا علائق تصمیم‌گیرنده‌ای در نظر گرفت که در عمل طیفی از تصمیمات بدیل در دسترس او قرار دارد که مجموعه فرصت خوانده می‌شود. این مجموعه به‌خاطر تغییرات در دارایی یا فناوری اجتماع از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر تغییر می‌کند (آرو، ۲۰۱۲).

گفتمان مسلط رفاه اجتماعی تا دهه‌های اخیر و تا قبل از چرخش فرهنگی در نظریه اجتماعی در دهه ۱۹۷۰، گفتمان مادی بوده و تنها آن دسته مقولات مادی، کمی، عینی، سنجش‌پذیر و اقتصادی به‌مثابه عوامل مولد یا مانع رفاه اجتماعی جامعه یا گروه‌های اجتماعی خاص محسوب می‌شده است. تحول اساسی در گفتمان رفاه اجتماعی ابتدا از دهه ۱۹۷۰ به بعد آغاز شد که نظریه‌های توسعه اقتصادمحور با چالش‌های اجتماعی و فرهنگی مواجه شد و به‌خصوص رویکردهای نظریه‌نوسازی نتوانست به توسعه در کشورهای جهان سوم باری رساند و نظریه‌های وابستگی که



1. Chaitali Sinha
2. Barro & Salai martin.
3. Colman
4. Becker
5. Arrow

شارح اصلی آن آندره گوندرفرانک^۱ بود و نظریه نظام جهانی که شارح اصلی آن والرشتاین^۲ بود و نظریه‌های انتقادی فمینیستی و نظریه‌های نئومارکسیستی مکتب فرانکفورت و مکتب مطالعات فرهنگی بیرمنگام، به شدت اعتبار نظریه نوسازی و رویکردهای اقتصادمحور را به چالش کشید (نادمی و مفتخری، ۱۳۹۶). در طول سال‌های دهه ۱۹۸۰، این مفهوم به این شکل تغییر پیدا کرد که رفاه اجتماعی، به مجموعه اقدامات و خدمات گوناگون اجتماعی در جهت ارضاء نیازهای افراد و گروه‌ها در جامعه و غلبه بر مسائل اجتماعی اطلاق می‌شد. در دهه ۱۹۹۰، رفاه اجتماعی، مجموعه شرایطی تلقی می‌شود که در آن خشنودی انسان در زندگی مطرح است (دیوید ماکرو^۳، ۱۹۹۸). در سال‌های اخیر با در نظر گرفتن ابعاد متنوع زندگی انسان، تعریف رفاه اجتماعی عبارت از مجموعه سازمان‌یافته‌ای از قوانین، مقررات، برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که در قالب مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی و تأمین سعادت انسان ارائه می‌شود تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد (نادمی و مفتخری، ۱۳۹۶). مفاهیم محوری در تعریف رفاه اجتماعی وجود دارد؛ حل یا کنترل مسائل اجتماعی؛ هرچند اتفاق نظر کاملی در مفهوم و محتوای آنچه مسئله اجتماعی خوانده می‌شود، وجود ندارد، اما در مورد مسائلی مانند بیکاری، خشونت، استعمال مواد مخدر، فقر، خودکشی و سرقت، توافق عام وجود دارد. تأمین نیازها؛ این مفهوم نیز از چند دهه پیش، تحول قابل توجهی یافته و علاوه بر شمول آن بر ابعادی مانند نیازهای زیستی، مسکن، آموزش، بهداشت، نیازهای دیگری نیز که برای زندگی منطقی و مناسب در جامعه ضروری است، را شامل می‌شود. تأمین فرصت‌های اجتماعی برابر؛ این مفهوم، به معنی برابری فرصت‌ها در مقابل شغل، آموزش و ارتقاء اجتماعی، صرف‌نظر از موقعیت‌های فردی است. در صورت نابرابری فرصت‌ها، گرایش به روش غیرقانونی و غیرمنطقی برای دستیابی به نیازها بروز خواهد کرد. این مشکل، در نهایت به گستردگی حوزه اول، یعنی مسائل اجتماعی، می‌انجامد. از دید بسیاری از اقتصاددانان، بررسی تابع رفاه اجتماعی مبتنی بر مطلوبیت افراد جامعه به سطح درآمد هر فرد بستگی دارد. از طرف دیگر، بروز نابرابری در توزیع درآمدها می‌تواند عاملی در جهت کاهش مطلوبیت قلمداد شود (عباسیان و همکاران، ۱۳۹۶).

همچنین رفاه اجتماعی ابعاد مختلفی را دربر می‌گیرد؛ از جمله بعد زیستی: شامل سلامت جسمی (در مقابل معلولیت و بیماری) و سلامت روانی (امید به زندگی، عدم نگرانی از آینده پیشرو، آرامش ذهنی و...). بعد حقوقی: شامل قوانین حمایت از گروه‌های آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر، قوانین مربوط به کودکان، نوجوانان و زنان، قوانین کیفری جزائی در مورد بزهکاری، جوانان و آسیب‌های اجتماعی.

1. Andreh gonder Frank
2. Valashterane
3. David Macro

بعد اجتماعی: شامل مسائلی چون امنیت، مهارت اجتماعی، فراغت، اشتغال، خانواده، آسیب اجتماعی، جمعیت، گروه‌های در معرض خطر؛ از جمله زنان و کودکان و مشارکت اجتماعی. بعد اقتصادی: شامل بررسی فقر، امنیت، توسعه اقتصادی، اشتغال، مسکن، سیستم پرداخت یارانه‌ای، اقتصاد خیریه‌ای و غیرانتفاعی، عدالت اجتماعی، حمایت اقتصادی از اقشار آسیب‌پذیر و ...

از طرفی نگرش‌های مختلفی در مورد رفاه اجتماعی به چشم می‌خورد. به‌طور کلی می‌توان سه نوع نگرش، نسبت به رفاه اجتماعی را از یکدیگر تمییز داد: الف- نگرش حداقلی؛ که از آن به‌عنوان پسماندی نیز تعبیر می‌شود و بر اساس آن، دخالت دولت در کمک به نیازمندان نهی شده و تنها زمانی که جامعه، خانواده و بازار از این مهم بازمانند، دخالت می‌کند. ب- نظام مشارکتی؛ مبتنی بر اشتغال و مشارکت افراد در تأمین منابع مالی و سیاست‌های رفاهی است. ج- نظام جامع رفاه؛ که مبتنی بر رفاه نهادی است و در آن دولت‌های سوسیال‌دموکرات، عهده‌دار ارتقای سطح کیفی و کمی افراد جامعه می‌شوند و رفاه باید مانند خدمات عمومی برای آحاد کشور تأمین شود. رفاه نه فقط برای فقرا، بلکه برای همگان است. امروزه دو دیدگاه متفاوت نسبت به دخالت و مسئولیت دولت وجود دارد. این دو دیدگاه را به‌صورت رفاه اجتماعی پس‌اندازی و نهادی خلاصه کرده‌اند. رفاه اجتماعی پس‌اندازی که از آن با نام نظام قانون فقر نیز یاد می‌شود، معطوف به از بین بردن محرومیت، از راه تعدیل از ثروتمندان به افراد بسیار فقیر است. نقطه مقابل این دیدگاه، رفاه اجتماعی نهادی است که شامل همه افراد جامعه در استفاده از امکانات رفاهی است. بنیان نظری این نگرش تا حدی از نظام بیمه متقابل، ارزش اتحاد و انسجام اجتماعی نشئت می‌گیرد.^۱ از طرفی، شاخص‌ها در مباحث رفاه اجتماعی شامل شاخص‌های منفرد و شاخص‌های ترکیبی هستند. شاخص‌های منفرد رفاه اجتماعی، شاخص‌هایی هستند که تنها توان سنجش و ارزیابی بعد خاصی از رفاه اجتماعی را دارند. به‌طورمثال، درآمد ملی سرانه یک شاخص منفرد است که در آن تنها به بعد مصرف در رفاه جامعه توجه می‌شود. در مقابل، شاخص‌های ترکیبی که تجمیعی از شاخص‌های منفرد هستند رفاه اجتماعی را از ابعاد مختلف اندازه‌گیری می‌کنند. شاخص‌های ترکیبی مقایسه عملکرد کشورها و یا عملکرد سال‌های مختلف یک کشور خاص را به‌صورتی ساده و قابل فهم فراهم می‌کنند. به همین دلیل در سال‌های اخیر استفاده از شاخص‌های ترکیبی در حال افزایش است (شاه‌آبادی و ارغند، ۱۳۹۷). همانند شاخص (سن^۲، ۱۹۷۷)، شاخص توسعه انسانی (برنامه توسعه سازمان ملل، ۲۰۱۲ - ۱۹۹۰)، شاخص رفاه اقتصادی (اسبرگ^۳، ۱۹۹۹)، شاخص رفاه اقتصادی

۱. باری، نورمن؛ رفاه اجتماعی، اکبر میرحسینی و مرتضی نوربخش، تهران، سمت، ۱۳۸۰، چاپ اول، ص ۱۵۹-۱۶۰.

2. Amartya Kumar Sen

3. Osberg

پایدار (دیلی^۱، ۱۹۹۵)، شاخص جامعه پایدار (فاسولو^۲، ۲۰۱۱) و شاخص (لگاتوم^۳، ۲۰۱۲) از جمله شاخص‌های ترکیبی رفاه هستند که امروزه کاربرد بیشتری در پژوهش‌ها دارند. با توجه به ارتباط رفاه با بعضی از متغیرهای اقتصادی از جمله، چگونگی توزیع درآمد و یا مطلوبیت‌های کسب‌شده به وسیله افراد، تغییرات رفاهی افراد وابستگی خاصی به سطوح درآمدی و میزان کسب مطلوبیت آن‌ها دارد و در نتیجه برخی شاخص‌های ارائه‌شده در مورد رفاه اجتماعی، از شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد و برخی نیز از مطلوبیت کسب‌شده به وسیله افراد تبعیت می‌کنند. اما تابع رفاه اجتماعی سن که توسط آمارتیا سن، مطرح شد، تنها تابع رفاه اجتماعی است که می‌تواند بیان کمی از رفاه اجتماعی داشته باشد. در تابع رفاه اجتماعی سن، رفاه اجتماعی تابعی از درآمد سرانه و ضریب جینی است. در مجموع باید گفت تأمین رفاه اجتماعی یکی از اصلی‌ترین ابزارهای توسعه است از این رو افزایش آن هدف اصلی سیاست‌های توسعه برای بسیاری از کشورهاست. و مؤسسه‌های بین‌المللی نیز توسعه‌یافتگی کشورها را بر اساس همین معیارها ارزیابی می‌کنند (شاه‌آبادی و ارغند، ۱۳۹۷، محقق‌کی کمال و همکاران، ۱۳۹۲).

بررسی تابع رفاه اجتماعی مبتنی بر مطلوبیت افراد جامعه به سطح درآمد هر فرد بستگی دارد. از طرف دیگر بروز نابرابری در توزیع درآمدها می‌تواند عاملی در جهت کاهش مطلوبیت قلمداد شود لذا یک تابع رفاه اجتماعی تلخیص‌یافته^۴ را می‌توان به صورت زیر تعریف کرد:

$$W = W(X, I) \quad (1)$$

که X و I تابعی از سطح درآمدهای جامعه (جامعه) بوده و X به درآمد و I به نابرابری توزیع درآمد آن بستگی دارد. بدیهی است افزایش (کاهش) در درآمدها باعث افزایش (کاهش) رفاه و افزایش (کاهش) در نابرابری توزیع آن باعث کاهش (افزایش) رفاه می‌شود. این دیدگاه که افزایش درآمد یک فرد با فرض عدم تغییر در سایر شرایط، منتهی به افزایش سطح رفاه خواهد شد. پس می‌توان نوشت، $\partial W / \partial > 0$ حاصل از اصل پارتو است. آمارتیا سن، در سال ۱۹۷۴ تابع زیر را به عنوان تابع رفاه اجتماعی پیشنهاد کرد:

$$W = \mu (1-G) \quad (2)$$

که μ میانگین و G ضریب جینی توزیع درآمد می‌باشند. با دیفرانسیل‌گیری از رابطه مذکور می‌توان به این تقریب رسید:

1. Daly
2. Fasolo
3. Legatum prosperity index
4. Abbreviated Social welfare

$$\Delta W \approx (1-G) \Delta \mu - \mu \Delta G \quad (3)$$

با استفاده از این رابطه به مطالعه تغییرات رفاه بر حسب تغییرات G و μ در طی دوره مورد بررسی پرداخته می‌شود، به طوری که عبارت اول تأثیر تغییرات μ بر رفاه را سنجیده و عبارت دوم تغییر در نابرابری توزیع درآمد را بیان می‌کند. بدیهی است زمانی که شاهد افزایش در نابرابری توزیع درآمد هستیم از تأثیر افزایشی μ (در صورت وجود داشتن) کاسته می‌شود. بنا به تعریف ضریب جینی، این شاخص معادل دو برابر فضای بین منحنی لورنز و خط است و بنابراین $(1-G)$ معادل دو برابر فضای زیر منحنی لورنز است لذا با عنایت به تعریف منحنی لورنز تعمیم یافته شاخص سن معادل دو برابر فضای زیر منحنی لورنز تعمیم یافته است به عبارت دیگر:

$$W = \mu (1-G) = 2 \int_0^1 GL(P) dP \quad (4)$$

۲-۲. پیشینه پژوهش

در زمینه رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی به طور مجزا تاکنون پژوهش‌های علمی متعددی در ایران و سایر نقاط جهان ارائه شده است. در این میان بررسی اثرات رشد اقتصادی بر رفاه اجتماعی می‌تواند کمک شایانی در واکاوی ارتباط این دو مسئله و استفاده از نتایج آن در جوامع در حال توسعه داشته باشد. البته باید اذعان کرد مطالعه چندانی در مورد رابطه رشد اقتصادی با رفاه اجتماعی صورت نگرفته است. شهیکی‌تاش و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ارتباط رشد اقتصادی و ضریب رفاه اجتماعی در ایران بر اساس رهیافت بیزین، طی سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۹۰» با استفاده از رهیافت بیزین و برآورد توابع چگالی پسین و پیشین و متوسط ضرایب بیزی نشان می‌دهند که ارتباط تغییرات رشد اقتصادی و رفاه در ایران مثبت بوده است. یعنی جریان رشد اقتصادی تأثیرات مثبتی بر افزایش رفاه در ایران به همراه داشته است، به گونه‌ای که متوسط ضریب بیزی استخراج شده در حدود هفده صدم درصد منجر به تغییر رفاه شده است.

دهقانی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران طی دوره ۱۳۵۰-۱۳۹۳ رهیافت رگرسیون غیرخطی انتقال ملایم» به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه، ارتباط مستقیم و غیرخطی بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد را در دوره مورد بررسی، در بخش خطی و غیرخطی مدل تأیید می‌نماید. همچنین بر اساس نتایج این مطالعه، برآیند تأثیر رشد اقتصادی دوره جاری و قبل بر توزیع درآمد دوره جاری مثبت و معنی‌دار است. از این رو می‌توان گفت که دولت در کنار اجرای مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها، با هدف کاهش فاصله طبقاتی، به عنوان یکی از اهداف اجرای آن، از اعمال سیاست‌های مناسب به منظور دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر و در نتیجه کاهش ضریب جینی نباید غافل شود.

شاه‌آبادی و ارغند (۱۳۹۷)، در مقاله خود با عنوان «تأثیر پیچیدگی اقتصادی (ECI) بر رفاه اجتماعی در کشورهای منتخب در حال توسعه»، با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته نشان می‌دهند که در کشورهای در حال توسعه طی سال‌های ۱۹۹۶-۲۰۱۵ با پیچیده‌تر شدن اقتصاد علی‌رغم افزایش درآمد سرانه، توزیع درآمد نامتعادل‌تر شده است و اثر نامتعادل‌تر شدن توزیع درآمد بر افزایش درآمد سرانه غالب بوده و در مجموع کاهش رفاه اجتماعی را به دنبال داشته است.

شاه‌آبادی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهش خود با عنوان «تأثیر رقابت‌پذیری بر رفاه اجتماعی در بیست کشور برگزیده در حال توسعه طی سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۱۵» با استفاده از روش GMM به این نتیجه رسیده‌اند که شاخص رقابت‌پذیری جهانی اثر مثبت و معناداری بر رفاه اجتماعی داشته است.

مدر و همکاران^۱ (۲۰۱۲)، در پژوهش خود با عنوان رشد اقتصادی در مقابل توسعه ساختارهای رفاه اجتماعی در اروپا به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. این مقاله روشی را برای تحلیل چهارچوب مفهومی دولت‌های رفاه شامل ساختارهای اقتصادی و اصلاحات مالی و اجتماعی دولت‌ها شرح می‌دهد. روش‌شناسی بر اساس پایگاه داده Eurostat^۲ که قابل‌مقایسه با تمام کشورهای اروپایی است، فرموله شده است. نتایج نشان می‌دهد در صورت رسیدن به سطح قابل‌قبولی از رفاه اجتماعی بالا رفتن سطح رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت.

واکر و همکاران^۳ (۲۰۲۱)، در مقاله‌ای با موضوع سیستم‌های رفاهی مؤثر بر رشد اقتصادی در کشورهای عضو OECD به این موضوع پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد این کشورها با چالش‌های ترکیبی زیادی مواجه هستند که افزایش نابرابری، تغییرات جمعیتی و بحران‌های محیطی تقاضای رفاه را در دهه‌های آینده افزایش می‌دهد و این نشان‌دهنده یک ارتباط دوسویه بین رفاه اجتماعی و رشد اقتصادی خواهد بود.

هو و همکاران^۴ (۲۰۲۲)، در پژوهش خود اثرات رفاه اجتماعی بر نابرابری و رشد اقتصادی در حوزه شهرنشینی به همراه داده‌های استخراجی از جامعه چین را مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که شهرنشینی به افزایش درآمد و کاهش فقر کمک می‌کند و این خود سبب افزایش رفاه نسبی جامعه هدف می‌گردد. این افزایش رفاه در طول زمان، دلیلی بر اثرگذاری رشد اقتصادی بر رفاه اجتماعی در جامعه شهری چین بوده است.

فاریابی و همکاران^۵ (۲۰۲۳)، در مقاله‌ای به بررسی رابطه رشد اقتصادی، اجتماعی و رفاهی در

1. Medar et al.

۲. سازمان آمار اتحادیه اروپا

3. Walker

4. Hu et al.

5. Farayibi et al.

طول دوره همه‌گیری کرونا در ۱۸ کشور واقع در شمال آفریقا و غرب آسیا پرداخته است. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد در این دوره به‌دلیل کاهش رشد اقتصادی، رفاه اجتماعی به‌صورت محسوسی کاهش یافته است. این امر به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا برنامه‌های سیاستی جامعه را برای تثبیت نوسانات اقتصادی و اجتماعی در منطقه و بهبود عملکرد پارامترهای اساسی اقتصاد کلان تدوین کنند.

باتوجه به نتایج مطالعات ذکر شده در این پژوهش و بررسی نتایج آن‌ها، اگرچه اثر رشد اقتصادی بر روی رفاه به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به‌طور محسوسی قابل مشاهده هست، اما در این پژوهش سعی شده است با بررسی اثرات غیرخطی و مستقیم رشد اقتصادی بر رفاه اجتماعی تصویر واضح و مشخصی به سایر پژوهشگران و تصمیم‌گیران در این حوزه ارائه دهد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

۳-۱. روش پژوهش

روش‌شناسی مدنظر این پژوهش، روش‌شناسی اقتصادسنجی است که بر پایه روش تحلیلی-کاربردی است و مدل اقتصادسنجی موردنظر بر پایه تئوری‌های اقتصادی طراحی می‌شود و سپس با استفاده از داده‌های مراکز رسمی و به‌کارگیری روش‌های آماری، مدل تصریح شده برآورد می‌شود و فرضیه‌ها با استفاده از نتایج مدل، آزمون می‌شوند. نمونه آماری شامل منتخبی از کشورهای درحال توسعه، که ساختار اقتصادی آن‌ها مشابه ایران بوده است، طی سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۲۱ و مبتنی بر داده‌های مراکز رسمی آمار اقتصادی از قبیل داده‌های بانک جهانی جمع‌آوری شده‌اند. از آمار توصیفی و استنباطی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود.

۳-۲. طراحی الگوی مدل

روش اقتصادسنجی مورد استفاده روش گشتاورهای تعمیم‌یافته^۱ (GMM) است، که توسط بلوندل و بوند^۲ (۱۹۹۸) پیشنهاد شده است. مدل‌های برآورد شده به روش GMM، به‌درستی امکان ماندگاری را حساب می‌کند و به ما اجازه می‌دهد تا در حیطه این پژوهش مشکلات برآزش میزان مهاجرت را در نظر بگیریم (گالیانو و رومرو، ۲۰۱۷).



1. Generalized Moment of Methods
2. R. Blundell and S. Bond

$$y_{it} = \beta y_{i,t-1} + u_{it} \quad (5)$$

$$y_{it} - y_{i,t-1} = \beta (y_{i,t-1} - y_{i,t-2}) + (u_{it} - u_{i,t-1}) \quad (6)$$

$$w' \Delta y = w' (\Delta y_{-1}) \sigma + w' \Delta v \quad (7)$$

$$\hat{\beta}_w = [(\Delta y_{-1})' w (w' (I_N \otimes G) W)^{-1} W' (\Delta y_{-1})]^{-1} x [(\Delta y_{-1})' w (w' (I_N \otimes G) W)^{-1} W' (\Delta y)] \quad (8)$$

حال اگر در معادله بالا به جای عبارت $w' (I_N \otimes G) w = \sum_{i=1}^N w_i' G w_i$ عبارت زیر را قرار دهیم:

$$V_N = \sum_{i=1}^N w_i' (\Delta V_i) (\Delta V_i)' w_i$$

برآوردگر بهینه روش گشتاوری (GMM) را برای وقتی $N \rightarrow \infty$ و T ثابت است، با استفاده از قیود گشتاور فوق به دست می‌آید. این برآوردگر GMM به هیچ اطلاعی در خصوص شرایط یا توزیع یا نیاز ندارد. برای اینکه این برآوردگر عملیاتی شود به جای ΔV پسماندهای حاصل از برآورد سازگار اولیه را به شکل تفاضل قرار می‌دهیم. برآوردگر حاصل، برآوردگر گام دوم (Two-Step) آرلانو و باند^۱ (۱۹۹۱) است. یعنی عبارت زیر:

$$\hat{\beta}_w = [(\Delta y_{-1})' w \hat{V}_N^{-1} w' (\Delta y_{-1})]^{-1} [(\Delta y_{-1})' w \hat{V}_N^{-1} w' (\Delta y)] \quad (10)$$

یک برآوردگر سازگار برای واریانس مجانبی $\hat{\beta}_w$ از اولین جمله معادله بالا به دست می‌آید.

$$var(\hat{\beta}_w) = [(\Delta y_{-1})' w \hat{V}_N^{-1} w' (\Delta y_{-1})]^{-1} \quad (11)$$

باید توجه شود که $\hat{\beta}_w$ و $\hat{\beta}_v$ به‌طور مجانبی معادل هم‌اند اگر که $v_{it} \sim \text{IID}(0, \sigma_v^2)$.

1. Arellano and Bond

۲. مهرگان و اشرف‌زاده

از این رو الگویی کلی بر اساس هدف تحقیق و بر پایه مبانی نظری طراحی شده است:

(۱۲)

$$Welfare_{it} = \beta_0 Welfare_{it-1} + \beta_1 Growth_{it} + \beta_2 Growth_{it}^2 + \beta_3 GS_{it} + \beta_4 CCorruption_{it} + \epsilon_{it}$$

در الگوی فوق $welfare_{it}$ به‌عنوان شاخص رفاه اجتماعی، با استفاده از تابع رفاه اجتماعی سن تعریف شده است. $welfare_{it-1}$ وقفه اول رفاه اجتماعی را نشان می‌دهد که به‌منظور بررسی پویایی شاخص رفاه اجتماعی در مدل لحاظ شده است، زیرا رفاه در سال جاری می‌تواند تابعی از رفاه سال گذشته نیز باشد و این رفاه اجتماعی می‌تواند در سال جاری و سال‌های آتی تأثیر بگذارد. در الگوی فوق $Growth_{it}^2$ شاخص رشد اقتصادی است و میزان رشد اقتصادی را در کشورهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که آمار آن را از سایت رسمی بانک جهانی^۱ (WDI) استخراج شده است. از مهم‌ترین بخش‌ها در جوامع مختلف میزان و سطح رشد اقتصادی است که علاوه بر فراهم کردن مسیر، جهت رسیدن به توسعه پایدار می‌تواند، در زمینه افزایش سطح رفاه، نقش عمده‌ای ایفا کند و در مجموع بر کل اقتصاد، اثر مثبت داشته باشد. به‌عنوان توان دوم رشد اقتصادی، به‌منظور بررسی اثرات غیرخطی این شاخص بر رفاه اجتماعی وارد معادله شده است و اثرگذاری بالاتر و ارتقاء یافته‌ای از این شاخص را نشان می‌دهد.

GS_{it} به‌عنوان شاخص اندازه دولت معرفی شده است. یکی از بخش‌های مهم اقتصادی در هر کشوری دولت است که علاوه بر فراهم کردن امنیت بر اساس دیدگاه حداقل مداخله دولت، می‌تواند در زمینه‌های مدیریت اقتصادی و همچنین تولید، نقش عمده‌ای ایفا کند و بدین ترتیب بر تولید بخش خصوصی و در نهایت تولید کل اقتصاد، اثرات مثبت و منفی داشته باشد. انجام فعالیت‌های مذکور و ایفای نقش‌های محوله توسط دولت مستلزم هزینه است و از آنجاکه یکی از معیارهای اندازه‌گیری دولت در ادبیات مربوطه، نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی است، لذا مداخله هر چه بیشتر دولت در اقتصاد به معنای بزرگ‌تر شدن آن است. از این رو، نقش صحیح و اندازه مناسب آن به‌عنوان بحثی جدال‌برانگیز بین اقتصاددانان و دولت‌مردان طی قرن گذشته بارها دستخوش تغییر و بازنگری قرار گرفته است (نادمی و مفتخری، ۱۳۹۶). $CCorruption_{it}$ شاخص کنترل فساد یکی از متغیرهای بحث‌برانگیز در مطالعات سالیان اخیر است. کوچک شدن منطقی



1. <https://data.worldbank.org>

دولت و کاهش مداخله آن در امور مردم می‌تواند موجب ایجاد بخش خصوصی کارا در جامعه شده و علاوه بر قرار گرفتن متخصصان و نخبگان در جایگاه حقیقی خود، باعث قانونمند و ضابطه‌مند شدن امور کشور و کاهش فساد در جامعه و دولت گردیده و به علاقه‌مند شدن متخصصان به کشور و ماندگاری آن‌ها کمک خواهد کرد (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۵).

مطالعه حاضر، پژوهش بین‌کشوری است، لذا به منظور آزمون فرضیه و بررسی تأثیر رفاه اجتماعی بر رشد اقتصادی از نرم‌افزار Eviews و تکنیک‌های اقتصادسنجی که مقاطع و دوره‌های زمانی را با همدیگر ترکیب می‌کند، بهره گرفته شده است.

توصیف آماری متغیرهای مدل در جدول زیر طی سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۲۱ ارائه شده است.

جدول ۱. توصیف آماری متغیرهای مدل طی سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۰۲

نام کشور	میانگین رشد اقتصادی	میانگین رفاه اجتماعی	میانگین اندازه دولت	میانگین کنترل فساد
الجزایر	۳۹/۳	۳۷/۱۵۸	۷/۱۶	۶۸/۳۲
بحرین	۶۴/۴	۵۱/۳۶۹	۰۶/۱۵	۶۷/۶۳
مصر	۲۷/۴	۶۴/۱۲۲	۴۸/۱۱	۰۷/۳۱
ایران	۹۵/۳	۶۲/۲۹۸	۲۷/۱۱	۹۷/۲۹
اردن	۵۵/۴	۲۴/۱۸۰	۲۵/۱۸	۳/۶۲
کویت	۸۲/۳	۸۶/۲۹۰	۹۲/۱۸	۶۲/۶۱
لبنان	۷۹/۳	۵۱/۲۳۸	۸۴/۱۳	۴۷/۲۱
مراکش	۱۵/۴	۶۴/۱۶۴	۵۱/۱۸	۳۳/۴۷
عمان	۳۴/۳	۳۲/۲۵۵	۰۳/۲۲	۶۵/۶۷
پاکستان	۴۹/۴	۱۸/۱۴۸	۹۹/۹	۶۹/۱۸
عربستان	۸۴/۳	۱۴/۴۵۱	۹۵/۲۲	۷۵/۵۷
تونس	۱۴/۳	۰۶/۳۳۲	۹۹/۱۷	۷/۵۴
ترکیه	۶۷/۵	۸۸/۲۵۵	۸۵/۱۳	۴۷/۵۴
امارات	۱۵/۴	۱۶/۲۳۷	۹۵/۹	۲۱/۸۲

منبع: یافته‌های پژوهش (متغیرهای پژوهش شاخص هستند و فاقد واحد می‌باشند).

همان‌طور که در جدول (۱) مشخص شده است، در مورد میانگین متغیر رشد اقتصادی بالاترین میزان مربوط به ترکیه (۵/۶۷) و پایین‌ترین آن مربوط به تونس (۳/۱۴) و در خصوص رفاه اجتماعی بالاترین و پایین‌ترین میزان به ترتیب از آن عربستان (۴۵۱/۱۴) و مصر (۱۲۲/۶۴) می‌باشد. در مورد میانگین متغیرهای کنترل فساد، امارات (۸۲/۲۱) و پاکستان (۱۸/۶۹) و اندازه دولت عربستان (۲۲/۹۵) و امارات (۹/۹۵) از بالاترین و پایین‌ترین سطح برخوردار هستند.

۴. یافته‌های پژوهش

در ابتدای فرایند اقتصادسنجی، بررسی پایایی متغیرها صورت می‌گیرد. در مطالعه حاضر برای بررسی ایستایی متغیرها از آزمون ریشه واحد لوین-لین و چو^۱ (Levin) استفاده شده است. وقفه‌های بهینه در این آزمون با معیار شوارتز^۲ تعیین شده است. همان‌طور که در جدول (۲) ملاحظه می‌شود، تمامی متغیرها در سطح ایستا هستند، بنابراین امکان بروز رگرسیون کاذب وجود ندارد.

جدول ۲. نتایج آزمون ریشه واحد متغیرها در الگوی کشورهای منتخب در حال توسعه

نتیجه آزمون	آزمون لوین، لی و چو		متغیرها
	p-value	آماره آزمون	
پایایی	۰۰۰	-۱۰/۶۰۸۰	رفاه اجتماعی
پایایی	۰۰۰	-۷/۶۶۳۷۷	وقفه اول رفاه اجتماعی
پایایی	۰۰۰	-۶/۳۹۴۸۱	رشد اقتصادی
پایایی	۰۰۰	-۵/۲۶۷۶۰	توان دوم رشد اقتصادی
پایایی	۰۰۰	-۳/۸۴۰۱۴۱	اندازه دولت
پایایی	۰۰۰	-۵/۴۶۳۳۶	کنترل فساد

منبع: یافته‌های پژوهش

پس‌ازاینکه ایستایی متغیرها در طول زمان بررسی شد، نخستین گام در روش داده‌های تابلویی این است که همگنی یا ناهمگنی نمونه مورد بررسی و محدودیت‌های وارد شده در الگو به لحاظ

1. Levin- Lin- Chu
2. Schwartz

عرض از مبداهای مشترک و یا متفاوت مشخص شود. به عبارت دیگر، نخست باید مشخص شود که رابطه رگرسیونی در نمونه مورد بررسی دارای عرض از مبداهای ناهمگن و شیب همگن است (لزوم استفاده از مدل داده‌های پنل) یا اینکه فرضیه عرض از مبداهای مشترک و شیب مشترک در بین مقاطع (لزوم استفاده از الگوی داده‌های تلفیقی) پذیرفته می‌شود. برای آزمون معنی‌دار بودن روش داده‌های پنل از آماره آزمون F لیمر^۱ استفاده شده است. باتوجه به نتایج جدول (۳) مقادیر F محاسبه شده برای کشورهای مورد مطالعه، داده‌های تابلویی بودن داده‌های آماری در تمام حالات پذیرفته می‌شود.

جدول ۳. نتایج آزمون F لیمر در الگوی کشورهای منتخب در حال توسعه

آزمون	نماد	مقادیر برآورد شده	احتمال
آزمون F Leamer	F-Statisti	۳/۵۱۷۶۴۸	[۰/۰۰۰]

منبع: یافته‌های پژوهش

به جهت تبیین دقیق‌تر، به تجزیه و تحلیل تخمین ضرایب متغیرهای مورد مطالعه پرداخته می‌شود. که نتایج برآورد مدل در جدول شماره (۴) ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج برآورد الگوی کشورهای منتخب در حال توسعه

متغیر	ضرایب	P-Value
وقفه اول رفاه اجتماعی	۰/۰۵۸۹۷۵	۰/۰۰۰۰
رشد اقتصادی	-۰/۵۸۳۰۵۶	۰/۰۰۰۰
توان دوم رشد اقتصادی	۳/۱۸۶۰۲۴	۰/۰۰۰۰
اندازه دولت	-۲۶/۷۳۵۰۱	۰/۰۰۰۰
کنترل فساد	۱/۲۶۵۵۸۴	۰/۰۰۰۰
آزمون سارگان (J- STATISTIC)	۶/۹۱۱۰۸۷	۰/۶۴

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که جدول نتایج تخمین نشان می‌دهد علامت ضرایب حاکی از آن است که انتظارات

1. Leamer

تئوریک مبنی بر چگونگی تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (رفاه اجتماعی) مورد تأیید قرار گرفته است.

وقفه اول رفاه اجتماعی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رفاه اجتماعی داشته است. به عبارت دیگر وجود یک ارتباط فراگیر و گسترده بین اجزای مختلف اقتصاد در سال‌های متوالی و انتقال اثرات آن به سال‌های آتی موجب این امر می‌گردد و کاملاً مشهود به نظر می‌رسد. ضریب اثرگذاری این متغیر در مدل نشان‌دهنده تأثیر قابل توجه این عامل است.

رشد اقتصادی تأثیری غیرخطی و آستانه‌ای بر رفاه اجتماعی داشته است. از آنجاکه شاخص رشد اقتصادی تأثیری غیرخطی بر رفاه اجتماعی داشته و با توجه به اینکه ضریب رشد اقتصادی منفی و ضریب توان دوم رشد اقتصادی مثبت شده است، لذا شاخص رشد اقتصادی در سطوح پایین تأثیری منفی بر رفاه اجتماعی بر جای گذاشته است. اما افزایش سطح شاخص رشد اقتصادی و عبور آن از سطحی آستانه‌ای در جامعه موجب بهبود سطح رفاه اجتماعی در کشورهای مورد مطالعه شده است. به عبارت دیگر تا زمانی که شاخص رشد اقتصادی از سطح آستانه ۰/۱۰۹۱ کمتر باشد، نشان‌دهنده رشد اقتصادی پایین بوده و رفاه اجتماعی نیز از سطح نامطلوبی برخوردار است. اما در صورت بالاتر رفتن سطح شاخص رشد اقتصادی از حد آستانه مذکور، روند رفاه اجتماعی افزایشی شده که این موضوع نشان‌دهنده اهمیت تأثیرگذاری رشد اقتصادی بر رفاه اجتماعی در جوامع هدف است. لذا هرچه قدر سطح شاخص رشد اقتصادی کمتر، کیفیت رفاه اجتماعی در این جوامع کمتر و برعکس، هرچه قدر سطح شاخص رشد اقتصادی بیشتر، کیفیت رفاه اجتماعی بیشتر است.

اندازه دولت تأثیری منفی و معنی‌دار بر رفاه اجتماعی داشته است. باید توجه نمود، دولت مرکز ثقل قدرت، اداره و تنظیم امور مختلف و همچنین از عوامل مهم و تعیین‌کننده توسعه اقتصادی است، که برای تحقق اهداف خود وظایفی را بر عهده می‌گیرد. اندازه دولت به دلایلی چون اثر ازدحامی یا برون‌رانی، رانت‌جویی گسترده ناشی از حضور دولت بزرگ، ناکارایی مخارج عمرانی دولت و کاهش بهره‌وری نیروی کار در بخش دولتی به دلیل استخدام‌های غیرضروری در بخش دولتی همگی موجب تضعیف رشد اقتصادی می‌شوند و در نتیجه سبب کاهش رفاه اجتماعی می‌گردد. گذشته از آن حضور پررنگ دولت از طریق افزایش مخارج و در نتیجه افزایش مازاد تقاضای کل از یک طرف و ایجاد کسری بودجه و تأمین آن از طریق استقراض از بانک مرکزی موجبات ایجاد تورم را فراهم می‌کند، که تورم موجب بدتر شدن توزیع درآمد می‌شود و لذا خود عاملی در جهت تشدید کاهش رفاه اجتماعی در جوامع هدف می‌گردد. آریتا و همکاران (۲۰۱۷) هم در مطالعه تجربی خود به این

۱. این حد آستانه از برابر صفر قرار دادن مشتق رفاه اجتماعی نسبت به شاخص رشد اقتصادی حاصل می‌شود.

نتیجه رسیده‌اند که اندازه دولت تأثیری منفی و معنی‌دار بر رفاه اجتماعی داشته است.

کنترل فساد تأثیری مثبت و معنی‌دار بر رفاه اجتماعی داشته است. با توجه به ضرایب به دست آمده، نقش کنترل فساد در رسیدن به یک رشد پایدار اقتصادی مشهود است. فساد به مثابه نیرویی است که به عملکرد مناسب بازارها آسیب رسانده و سیستم بازار را مختل می‌نماید و از این رهگذر موجبات کاهش رشد اقتصادی و کاهش رفاه اجتماعی می‌شود. عواملی چون کیفیت بد قوانین و مقررات، دیوان‌سالاری ناکارآمد، ناکارایی نظام قضایی، فقدان حاکمیت قانون و ... عوامل فسادزا هستند که عمدتاً در کشورهای توسعه‌نیافته شایع است. فساد در جنبه‌های مختلف سبب هدایت غیربهبود منابع جوامع و افزایش رانت‌جویی شده که خود عامل بروز رشد نامناسب اقتصادی است. از این رو کنترل فساد در هر جامعه‌ای باعث ایجاد شرایطی باثبات در (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی) جهت بهبود رفاه می‌گردد. در تخمین مدل برای بررسی معتبر بودن ماتریس ابزارها از آزمون سارگان استفاده شده است. آزمون سارگان برای اعتبارسنجی متغیرهای ابزاری، نشان‌دهنده عدم همبستگی متغیرهای ابزاری با جزء خطای مدل است لذا متغیرهای ابزاری استفاده شده در مدل معتبر است. در واقع می‌توان گفت در این آزمون، فرضیه صفر حاکی از عدم همبستگی ابزارها با اجزای اخلال است. مقدار احتمال آماره آزمون سارگان زمانی که مدل با داده‌های کشورهای در حال توسعه تخمین زده شده است برابر ۰/۶۴ است. نتیجه اینکه فرضیه صفر مبنی بر عدم همبستگی ابزارها با اجزای اخلال را نمی‌توان رد کرد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت ابزارهای مورد استفاده برای تخمین مدل در کشورهای در حال توسعه از اعتبار لازم برخوردار است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

امروزه رشد اقتصادی نشان‌دهنده پیشرفت کارا در حوزه اقتصاد بوده که خود سبب افزایش رفاه اجتماعی می‌گردد. در واقع رشد اقتصادی افزایش تولید کالا و خدمات در یک اقتصاد است. افزایش کالاهای سرمایه‌ای، نیروی کار، فناوری و سرمایه انسانی همگی می‌توانند به رشد اقتصادی کمک کنند. رشد اقتصادی معمولاً برحسب افزایش ارزش کل بازار کالاها و خدمات اضافی تولیدشده با استفاده از برآوردهایی مانند تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری می‌شود. هرچند مطالعات رابطه بین میزان رشد و رفاه را انکار نمی‌کنند، اما تأکید دارند که افزایش رفاه زمانی قوی‌تر است که رشد اقتصادی در همه ابعاد آن صورت پذیرد و در عین حال کمکی در جهت رفع موانع کاهش رفاه اجتماعی باشد. به نحوی که رفاه در زنجیره تأثیرگذاری یا تأثیرپذیری از رشد قرار گیرد. شاید بتوان گفت که رسیدن به سطح مطلوبی از رفاه «در همه اشکال آن و در همه جا» در گرو رشد اقتصادی فراگیر، پایدار، کامل، مولد اشتغال و توزیع مناسب فرصت‌ها برای همه باشد.

بنابراین در این پژوهش اثرات رشد اقتصادی بر رفاه اجتماعی در کشورهای منتخب در حال توسعه مورد بررسی قرار گرفت. تحقیق بر روی این موضوع، نوآوری و وجه تمایز این پژوهش با سایر پژوهش‌ها به‌ویژه در مطالعات داخلی می‌باشد. باید خاطرنشان ساخت در بررسی علل کاهش یا افزایش رفاه اجتماعی در کشورهای در حال توسعه به تأثیر رشد اقتصادی علی‌رغم اهمیت آن کمتر پرداخته شده است. همچنین به کارگیری روش غیرخطی در بازه زمانی این مطالعه این پژوهش را نسبت به سایر پژوهش‌های مشابه جهت استفاده محققین به روزتر نموده است. به دلیل خلأ موجود در مطالعات قبلی، در این مطالعه سعی در شناخت تأثیر این متغیر بر رفاه اجتماعی در منتخبی از کشورهای در حال توسعه در بازه زمانی ۲۰۰۲-۲۰۲۱ صورت گرفته و بدین منظور از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) استفاده شده است. پس از اطمینان از پایایی متغیرهای مدل پژوهش، برآورد مدل تحقیق انجام شد. وقفه اول رفاه اجتماعی، رشد اقتصادی بیشتر از آستانه و کنترل فساد اثری مثبت و رشد اقتصادی کمتر از آستانه و اندازه دولت اثری منفی بر رفاه اجتماعی در کشورهای هدف داشته است. زونگو و گرلینگ (۲۰۲۱) هم در مطالعه تجربی خود این موضوع را بررسی نموده‌اند که با نتایج تحقیق حاضر سازگار است.

۶. پیشنهادها

برگرفته از نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود تصمیم‌گیران در کشورهای در حال توسعه، زمینه ایجاد و رشد اقتصادی در جوامع خود را با اعمال سیاست‌ها و وضع قوانین جدید، ایجاد بستر رشد و پیشرفت کشور مبتنی بر نظامی شایسته‌سالار و لیاقت‌محور و دفاع از طرح‌های حمایتی که منجر به افزایش رفاه اجتماعی می‌شود، توجه بیشتری نمایند. افزایش کیفیت و ارتقاء سطح رشد اقتصادی که منجر به افزایش رفاه اجتماعی (همچون آموزش همگانی، بهبود و دسترسی به بهداشت و سلامت عمومی و ایجاد اشتغال و خدمات شغلی و غیره) که خود متقابلاً سبب رسیدن به سطح مطلوب رشد اقتصادی می‌گردد، از مهم‌ترین عوامل این مقوله در کشورهای در حال توسعه به‌شمار می‌آید. از طرفی می‌توان با کوچک‌سازی اندازه دولت و توجه ویژه به مسائل اقتصادی اقشار مختلف جوامع مورد مطالعه، همکاری بین‌بخشی جهت ارتقاء سطح دانش، توجه به نقاط آسیب‌خیز اجتماعی که زمینه‌ساز بروز یا تشدید فساد و کاهش رفاه می‌گردد، توجه به ظرفیت مراکز آموزشی و دانشگاهی، حمایت اجتماعی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای جهت بالابردن سطح دانش نیروی‌های متخصص، اشتغال پایدار و توانمندسازی تعاملی در سطح بین‌المللی در گسترش رفاه اجتماعی اقدام نمود. همچنین با توجه به تأثیر مثبت کنترل فساد و رشد اقتصادی بیش از سطح آستانه محاسبه شده بر رفاه اجتماعی، اصلاحات نهادی لازم برای بهبود امنیت اجتماعی، تضمین رقابت، ارتقای شفافیت، بهبود عوامل تقویت‌کننده کنترل فساد و افزایش سطح و کیفیت رشد اقتصادی در جوامع هدف پیشنهاد می‌شود.



منابع

- امین رشتی، ناریس، صیامی عراقی، ابراهیم، فهیمی فر، فاطمه. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر رفاه اجتماعی و فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی، مطالعه موردی: استان‌های کشور، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۱۳(۱)، ۴۷-۶۳.
- دهقانی، علی، حسینی، سیدمحمدحسن، فتاحی، محمد و حکمتی فرید، صمد. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران طی دوره ۱۳۵۰-۱۳۹۳. رهیافت رگرسیون غیرخطی انتقال ملایم، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ۶(۲۱)، ۲۳۶-۲۱۳.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و ارغند، هانیه. (۱۳۹۷). تأثیر پیچیدگی اقتصادی (ECI) بر رفاه اجتماعی در کشورهای منتخب در حال توسعه. پژوهش‌نامه بازرگانی، ۸۹، ۸۹-۱۲۲.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل، راغفر، حسین، کرمی، بهاره. (۱۴۰۰). تأثیر رقابت‌پذیری بر رفاه اجتماعی، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، ۱۶(۳)، ۵۹-۸۶.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل، کریم کشته، محمدحسین و محمودی، عبدالله. (۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر بر فرار مغزها (مطالعه موردی ایران)، فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی، ۱۰(۳۹): ۸۱-۳۹.
- شهبکی‌تاش، محمدنبی، مولائی، صابر و دینارزهی، خدیجه. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط رشد اقتصادی و ضریب رفاه اجتماعی در ایران بر اساس رهیافت بیزین، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۴(۱۶)، ۴۱-۵۲.
- عباسیان، عزت‌الله، مفتخری، علی و نادمی، یونس. (۱۳۹۶). اثرات غیرخطی درآمدهای نفتی بر رفاه اجتماعی در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۷(۶۴)، ۳۹-۷۱.
- فتاحی، شهرام، فتح‌اللهی، جمال، عسکری، الناز. (۱۳۹۵). تأثیر عوامل اجتماعی- فرهنگی بر رشد اقتصادی ایران؛ رویکرد داده‌های تابلویی و خوشه‌بندی، فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، ۷(۲۶)، ۴۹-۷۰.
- لطیفی، غلام‌رضا، قره‌باغی، حمید، حاج‌علی اکبری، فیروزه و شامی، رضا. (۱۳۹۶). بررسی نقش برنامه‌ریزی ناحیه‌ای بر رفاه اجتماعی از دیدگاه مردم. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۸(۳۱)، ۲۴-۱.
- نادمی، یونس و مفتخری، علی. (۱۳۹۶). حد بهینه فعالیت‌های دولت و رفاه اجتماعی در ایران رویکرد سری زمانی غیرخطی. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۷(۶۷)، ۹-۳۵.
- Arrieta, O. A. D., Pammolli, F., & Petersen, A. M. (2017). Quantifying the negative impact of brain drain on the integration of European science. *Science advances*, 3(4), e1602232.
- Balasubramanian, P., Burchi, F., & Malerba, D. (2022). Does economic growth reduce multidimensional poverty? Evidence from low and middle-income countries, *World Development*, 161(12), 106-119.

Farayibi, A.O., Haouas, I., Trinh, H.H., & Akadiri, S.S. (2023). Economic growth, social, and welfare development during COVID-19 pandemic: do country-specific characters matter in the MENA region? *Environmental Science and Pollution Research*, 30:60552–60573.

Galiano, A., & Romero, J. G. (2018). Brain drain and income distribution. *Journal of Economics*, 124(3), 243-267.

Ha, W., Yi, J., & Zhang, J. (2016). Brain drain, brain gain, and economic growth in China. *China Economic Review*, 38, 322-337.

Hu, X., Jiang, W., Wan, G., & Zhang, J. (2022). The Welfare (Inequality and Growth) Effects of Urbanization: Empirical Evidence from China, *Hacienda Pública Española/Review of Public Economics*, 1-31.

Huber, P., & Oberdabernig, D. A. (2016). The impact of welfare benefits on natives' and immigrants' attitudes toward immigration. *European journal of political economy*, 44, 53-78.

Jindra, C., & Vaz, A. (2019). Good governance and multidimensional poverty: A comparative analysis of 71 countries, *Economic and Social Research Council (Governance)*, 32, 657–675.

Kvartiuk, V., Petrick, M., Bavorova, M., Bednaříková, Z., & Ponkina, E. (2020). A brain drain in Russian agriculture? Migration sentiments among skilled Russian rural youth. *Europe-Asia Studies*, 72(8), 1352-1377.

Medar, M., Ōun, K., Loring, M. (2012). Economic growth versus development of social welfare structures in Europe, *shs.hal.science/halshs-00665707*, 1-7.

Mountford, A. (1997). Can a brain drain be good for growth in the source economy?. *Journal of development economics*, 53(2), 287-303.

Najitama, E., Maski, G., & Manzilati, A. (2020). Analysis of multidimensional poverty dynamics in Indonesia: The effect of demographic and institutional factors, *Journal of Innovation in Business and Economics*, 4(2), 87-96.

Nyasha, S., & Odhiambo, N. M. (2019). Government Size and Economic Growth: A Review of International Literature, the SAGE and Open Access pages (<https://us.sagepub.com/en-us/nam/open-access-at-sage>), 1-12.

Pieńkowski, J. (2020). The Impact of Labour Migration on the Ukrainian Economy. *European Economy-Discussion Papers 2015-*, (123).

Reeves, R., Rodrigue, E., & Kneebone, E. (2016). Five Evils: Multidimensional Poverty and Race in America, *Economic Studies at Brookings (The Brookings Institution)*, 1-22.

Rimoldi, S.M.L., Arcagni, A., Fattore, M., & Belgiojoso, E.B. (2020). Targeting Policies for Multidimensional Poverty and Social Fragility Relief Among Migrants in Italy, Using F-FOD Analysis, *Social Indicators Research*, 157, 57-75.

Santos, M. E., Dabus, C., & Delbianco, F. (2016). Growth and Poverty Revisited from a Multi-



dimensional Perspective, OPHI Working Paper 105, University of Oxford, 1-33.

Sinha, C. (2017). International Migration and Welfare Implications. *South Asian Journal of Macroeconomics and Public Finance*, 6(2), 209-229.

Walker, C.C., Druckman, A., & Jackson, T. (2021). Welfare systems without economic growth: A review of the challenges and next steps for the field, *Ecological Economics*, 186, 1-12.

Zungu. L.T, & Greyling. L. (2021). Government size and economic growth in African emerging economies: does the BARS curve exist? *International Journal of Social Economics*, 15(3), 37-69.

